

انتخاب کتاب در کتابخانه‌های دانشگاهی و علمی

ترجمه و اقتباس پرویندخت جناب‌زاده*

هدف این است که نوشته‌های تخصصی را تا حدودی که مربوط به انتخاب مواد برای کتابخانه‌های دانشگاهی است مورد بررسی قرار دهیم، خصوصاً این مطالعه را با توجه شخصی که کار انتخاب مواد کتابخانه برعهده اوست و معیارها و مقاسها و افزارهایی که از آنها در این کار سود می‌جوید، انجام دهیم.

درین باب هادی بچ H. Bach پنجاه و چهار دانشکده را مورد بررسی قرارداد و در سال ۱۹۵۷ مقاله‌ای مربوط به انتخاب روش‌ها در این دانشکده‌ها نوشت. او روش‌های معمولی تهیه مواد کتابخانه را به ترتیب به سه نوع اصلی تقسیم نمود. اگر کتابخانه‌ها برطبق نقشی که در انتخاب مواد کتابخانه بعهده دارند طبقه‌بندی شوند ظاهراً به سه دسته تقسیم می‌گردند:

مورد اول کتابخانه‌های تحت نفوذ است. این گروه بعلمت اینکه بیش از حد متکی به دانشکده‌اند و نظریه آنها در کتاب در دنیای قرن نوزدهم است طبعاً هیچگونه مسئولین برای توسعه مجموعه کتابخانه بعهده نمی‌گیرند، (بنابریاسخهائی که از ۴ کتابخانه رسیده فقط ۵ کتابخانه روش فوق را حفظ نموده‌اند).

در مورد دوم کتابخانه‌هایی است که مواد آنها بوسیله دانشکده تهیه می‌شود و کتابخانه جنبه مشورتی دارد. البته نظر دانشکده اولویت پیدا می‌کند. زیرا مشاور جز آنکه نظری بدهد اختیار در عمل ندارد. عکس‌العمل این روش آنست که کتابدار و کارمندان کتابخانه میزان خرید کتاب را در رشته‌های متنوع و مختلف افزایش

میدهند و نیز موادی را که اختصاصاً مورد احتیاج دانشکده‌های بخصوص نیست مانند کتابهایی که موضوعهای عمومی دارد و همچنین توجه اعضای دانشکده را به نشریات مهم مربوط به رشته آنان معطوف میدارند، بررسی آماره کتابخانه این عمل را بیشتر نشان میدهد.

در نوع سوم یعنی کتابخانه‌هایی که در انتخاب کتاب استقلال عمل دارند و در این جا دانشکده‌ها همکار و مشاورند و کتابخانه‌ها نظر خود را اعمال میکنند برای مثال طبق گزارش سالانه در کلمبیا ظاهر عمل این است که مدیر کتابخانه، کتابدارها ناظر و رؤسای دانشکده‌ها در انتخاب نشریات همکاری دارند ولی کتابخانه نظر کارمندان خود را در مورد برگزیدن کتاب مورد نیاز، مقدم‌میشمارد و از آن کتابخانه که آمارگیری شده شش کتابخانه در شمار این دسته اند، مطالب فوق نتیجه‌ای بود که از آمارگیری بدست آمده است.

همه قبول دارند که مجموعه‌های تحقیقاتی و داشتن محتوی کافی برای کتابخانه لازم و ضروری است، ولیکن توفیق در این عقیده عمومی که بایستی بوسیله هیئت مدیره دانشکده کتابخانه‌ها راهنمایی و اداره شوند و در بسیاری از موارد کمیته‌ها و یا کمیسیونهای هیئت علمی کتابخانه در این کار یعنی انتخاب کتاب صاحب نظر باشند امری مشکل و تطبیق احتیاجات با مقررات مشروح و در نظر گرفتن اعتبارات مالی که وجوه کتابخانه میبایستی از لحاظ نوع کتاب و مصرف بین دانشکده‌های توزیع شود و همه سهم باشند از آن مشکلتر است.

سازمانهای آموزشی امریکا قبل از سال ۱۹۰۰ تأسیس گردیدند. دانشکده‌ها بطور کلی اعتبارات مالی خودشان را زیادتر بمصرف خرید کتاب میرسانند و روش کار و اسلوب عمل مربوط بخود دانشکده و کمیته‌های وابسته بان بود. این روش خود موجب ایجاد طرحی برای کشور شد. لیکن اندکی بعد از این تاریخ که دانشگاههای امریکا و کتابخانه‌های دانشگاهی در راه بسط سازمان و محتوی و کار خود گام برمیداشتند در آلمان نیز عقیده‌ای بر علیه توسعه مجموعه کتابخانه بوسیله

دانشکده‌ها بوجود آمد. روشی اختیار شد که تا اندازه‌ای صورت رسمی بخود گرفت. بدین طریق که انتخاب کتاب بوسیله کتاب شناسان موضوعی انجام پذیرفت. و در عمل عموم کتابخانه‌های دانشگاهی آلمان این روش را پسندیدند و اختیار کردند. هنوز هم این عمل در آنجا جریان دارد. کتاب شناسان اولین عناصر انتخاب کننده کتاب برای کتابخانه های مرکزی (اصلی) دانشگاهی آلمان میباشند.

هر دانشکده‌ای بخاطر سازمانهای تحقیقاتی خود مجموعه‌های خود را توسعه میدهد. این مجموعه بوسیله استادان انتخاب میشود و به امانت داده نمیشود. دانشکده‌ها مستقل و مجزی از یکدیگر و همچنین از کتابخانه اصلی جدا هستند و از نظر کتابشناسی هم کامل نمیباشند. نداشتن یک فهرست جامع و مشترک مرکزی، خرید مجموعه‌های بی اهمیت و بی ارزش بجای کتابهای ارزنده و گرانقیمت، فقط موجب بزرگی حجم است و در ظاهر از کتابخانه اصلی بزرگتر جلوه میکند. ولی ارزش معنوی آنرا ندارد. بنابراین طریقه عمل مزبور از لحاظ عیوبی که دارد قابل توجه و تقلید نیست.

در حال حاضر در کتابخانه‌های دانشگاهی امریکا روش معمول برای انتخاب کتاب این است که اعتبار قابل توجهی از بودجه کتاب را بمدارس و دانشکده‌های مختلفی که مسئول انتخاب مجموعه‌ها در رشته اختصاصی خود میباشند منظور میدارند. این روش در ۸۵ سال قبل در آلمان معمول بود. با این تفاوت که عامل اصلی عمل کتابخانه بود. گرچه انتخاب کتاب غالباً جزو وظایف دانشکده‌ها است. با وجود این تمایل عموم بر این بود که بودجه کتابخانه در اختیار کارمندان کتابخانه و مسئولیت سفارش و تهیه فهرست در اینجا مرکزیت داشته باشد. نظر و عقیده کتابداران مختلف در سالهای اخیر چنین بوده است.

P. Mc Crum در سال ۱۹۳۷ در این باره اینطور اظهار نظر نمود که هیأت

آموزشی از عناصر توسعه دهنده انتخاب کتاب میباشند. کتابدار سازمان دهنده و سامان

دهنده واقعی کتابخانه است. کتابدار به هیأت آموزشی مدیون است، زیرا آنها هستند که او را بدانشهای ویژه راهنمایی میکنند. بنابراین برای ادای این دین کتابدار وظیفه دارد که مجموعه‌های مورد احتیاج آنها را تا حد امکان و بطور کامل فراهم آورد و در کتابخانه یک مجموعه متوازن و جامع را نگاهبانی نماید. البته شرط توفیق، دقت و احتراز از سرعت عمل و شتابزدگی است. زیرا نخست باید ارقام لازم و ضروری را فراهم آورد.

N. F. Mc Keon در سال ۱۹۵۴ نگاشت که باهم آهنگی و تشریک مساعی و همکاری عده‌ای از اعضاء که عشق و علاقه ذاتی بانتخاب کتاب دارند کتبی برای خرید انتخاب می‌شود که موضوعش برای برنامه‌های تحصیلی سودمند باشد. زیرا اهمیت کتابخانه بستگی دارد با اهمیت دانشکده‌ای که از آن کتابخانه بهره‌مند میشود.

Guy Lyle یک نظریه عمومی و جالبی را در سال ۱۹۶۳ در کتابش از لحاظ مسئولیت رئیس، استاد و کتابخانه دانشگاه وارد بحث کرد. او سئوید کتابخانه‌های خوب آنست که در خور احتیاجات روز جوابگوی احتیاجات دانشکده‌ها باشد. این حوائج است که اساساً کتابخانه را بوجود می‌آورد. بنابراین مصلحت این است که بهیچ فردی اجازه داده نشود در کار کتابخانه اعمال نفوذ یا حق دخالت و رسیدگی بی‌مورد در قسمت فعالیت‌های مربوطه به تهیه مجموعه کتابخانه بنماید. این عمل خود بخود انجام می‌گیرد. بدین معنی اگر رئیس دانشکده و استاد، مراحل انتخاب و تهیه کتاب را عهده‌دار شوند دیگر اعضای هیأت آموزشی تمایلی بمشارکت در این عمل نشان نمیدهند. خواهیم گفت که با این جریان وظیفه کتابدار چیست؟

وظیفه کتابدار در امر انتخاب کتاب راهنمایی در عمل است، زیرا او از محتویات کتابخانه و حوائج روز آگاه، و مکلف است که از مقام و قوه خویش در سامان بخشیدن کتابخانه استفاده کند و مطلقاً انتخاب کتاب را بخود اختصاص ندهد.

نیز امکان دارد چیزهایی بنظرش ناصحیح یا غیر لازم جلوه کند. یا روشهای انتخاب کتاب را اشتباه آمیز بداند. ولی در هر حال اگر اختیار مطلق انتخاب کتاب را از لحاظ مقابله بمثل یا کلمه ای جامع تر بعنوان انتقام در دست بگیرد اشتباهات افزونتر میشود. بنابراین از لحاظ آنکه بطور قطعی فارغ از هر اشتباه و نامرادی در موضوع توسعه مجموعه کتاب بشویم لازم است یک پیوستگی و هم آهنگی و حسن تفاهم در این عمل بین هیأت اداری، آموزشی و کارمندان کتابخانه وجود داشته باشد. هر کدام وظیفه خویش را در این مورد ایفاء نمایند. زیرا کتابدار نمیتواند و نباید نقش خود را بعهده دیگری بگذارد. کتابدار دانشکده کار بودجه، ساختمان، انتخاب کارمندان، توسعه مجموعه کتاب را باید کار اصلی خود بداند و اجرای این کار یا وظیفه اصلی مستلزم استفاده از کمک هیأت آموزشی، اعضاء اداری و کارمندان کتابخانه است. اما در حقیقت تمامی این مسؤولیت هارا باید در خود احساس کند.

برای افزایش و تقویت این همکاری که اجزاء ترکیب دهنده برای اخذ نتیجه و سامان دادن کتابخانه است ناگزیر است که یک دانشکده مسائل زیر را در برنامه کتابخانه اش مورد عمل قرار دهد:

- ۱- نوع کتابخانه باید با حوائج مراجعین کتابخانه موافق باشد و اثر هر کتابی از جهات علمی و نیازهای دانشکده روشن باشد.
- ۲- سازمان صحیح و فعال داشته باشد که بتواند از هیأت آموزشی دانشکده و کارمندان کتابخانه برای انتخاب کتاب بهره برداری کند.
- ۳- دارای بودجه و اعتبار مالی کافی بمیزان افزایش احتیاجات سالیانه برای خرید کتاب باشد.

با توجه باین کلیات و حسن تفاهم در چگونگی و همکاری کار کتابدار (بطور کلی مربوط به برنامه توسعه کتابخانه) و همچنین مسؤولیت خاص او در مورد انتخاب کتاب است که طرز صحیحی را با مطالعات دقیق برای صورت برداری و پیشنهاد کتابهای لازم تنظیم و بنظر اعضاء هیأت آموزشی برساند. آخرین مسؤولیت کتابدار خرید کتاب

بیشاد که مقدمات سفارش و تهیه کتاب را برای تکامل رشته‌های موضوعی با انتخاب دقیق نشریات تازه و خارج ساختن نشریاتی که دیگر مورد استفاده کتابخانه نیست مجموعه جدید علمی و از هر جهت کافی را بوجود آورد و نواقص مجموعه را از لحاظ ورود کتابهای تازه و خروج کتابهای بیفایده مرتفع سازد.

Mary Duncan و Wallace Bonk در دومین چاپ رساله خودشان در مورد

چگونگی انتخاب کتاب نوشته‌اند :

از نظر تئوری اساساً گروه‌های آموزشی مدارس و دانشکده‌ها مسئول انتخاب کتاب در موضوعهای مربوط به رشته خود میباشند. در صورتیکه مسئولیت انتخاب کتاب در مورد رشته‌های کتابشناسی عمومی بعهده کارمندان کتابخانه میباشد. این کارمندان مسئول انتخاب مواد اختصاصی مانند نشریات ادواری، اسناد و تأمین احتیاج آن بخشهایی میباشند که عمل آنها بوسیله گروه آموزشی تأمین نگردیده است. در نشریه CRL در سال ۱۹۶۶ همین نظر داده شده است.

همکاری نزدیک با افراد هیأت آموزشی در انتخاب کتاب مستلزم فرصت و حوصله کافی از طرف کتابدار است. زیرا تأیید شده که این کوشش و هم‌آهنگی سودمند و با ارزش بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی ***

حاصل کلام آنکه این نظریه برای اصول استوار است که وقوف اعضاء هیأت آموزشی در رشته‌های مخصوص بخود از لحاظ انتخاب کتاب سودمند است. لیکن در چند سال قبل نسبت باین روش مخالفت‌هایی ابراز شد و معتقد شده‌اند که حق کتابدار در مورد توسعه مجموعه باید بیش از هیأت آموزشی باشد. نتیجه گیری از این نظریه این است که طرفداران این روش از کتابخانه‌های دانشگاهی امریکا یا حداقل صاحب نظران بزرگتر در میان، آنان خود را به وضع کتابخانه‌های مرکزی دانشگاهی آلمان نزدیک ساخته‌اند.

William M. Randall در این باره میگوید که تخصیص بودجه به یکایک

دانشکده‌ها از لحاظ تئوری ظاهراً مهم بشمار می‌آید. ولی از دو نقطه نظر وضع نامناسبی را این عمل بوجود می‌آورد. یکی آنکه تقسیم یک بودجه کم میان ۱۰ تا ۳ دانشکده حاصلی ندارد و رافع احتیاجات آنها نمی‌باشد. آنهم برای تهیه آثار برجسته در رشته‌های مختلف و گوناگون یا فقدان این آثار که در هر دو حال نتیجه یکی است. زیرا باین ترتیب کنترل اعتبار مالی خرید کتاب از اختیار کتابخانه خارج شده در اختیار رئیس دانشکده قرار می‌گیرد. اما مسئولیت اصلی کتابدار باقی است که باید توازن را بین مجموعه‌ها ایجاد و اطمینان حاصل نماید که نیازهای حال و آینده تأمین شده است. بنابراین روش نیکو و قابل اجرا برای گریز از دشواریهای فوق این است که دانشکده مسئولیت بودجه کتاب را بعهدہ نگیرد و تمام بودجه یا مبلغ بیشتری از آنرا در تحت اختیار و کنترل کتابخانه قرار دهد.

با اهمیت و اعتبار زیادی که در حال حاضر به تمایلات انفرادی اعضای دانشکده‌ها داده میشود نقص مجموعه های کتاب زیاد میشود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اکنون روش تهیه کتاب (خریداری) تقریباً در دانشکده‌ها بصورت واحد در آمده است. در ۲ کتابخانه که مورد مطالعه قرار گرفته کار خرید در اختیار هیأت آموزشی است و عناوین کتب را به کتابدار ارائه میدهند تا با بودجه اختصاصی دانشکده توافق داده شود. در غالب دانشکده‌ها نظارتی روی این فهرستها بعمل نمی‌آید و کتابهایی که بوسیله اعضاء هیأت آموزشی تقاضا میشود تا میزانی که بودجه اجازه میدهد و اعتبار مالی کفایت میکند خریداری میشود. ولی این روش موجب عدم توازن در مجموعه‌های کتابخانه میگردد. تنها چاره رفع این نقیصه این است که مسئولیت عمل در عهده کتابداری قرار گیرد که بتواند هدفهای دانشکده را از لحاظ

مصلحت و رفع ضرورت تشخیص بدهد و مجموعه کتاب را بصورت یک واحد درآورد. در این صورت چنین کتابداری که با بودجه اختصاصی دانشکده باید این وظیفه را انجام دهد نباید محدود باشد. باید اختیارات وسیعی باو داده شود. از این لحاظ که کتابخانه دانشکده بیش از هر چیزی طالب یک راهنما و رهبر است که قادر باشد بین هدفها وحدت ایجاد کند و نظر آنها را درمسأله انتخاب کتاب مورد مطالعه و عمل قرار دهد.

درسال ۱۹۴۹ Keyes Metcalf نوشت که اختیار و انتخاب کتاب بوسیله دانشکده زیان بخش است و مشکلاتی بوجود میآورد. بنا بر این هیأت آموزشی دانشکده باید انتخاب کتاب را بانظر و مشورت کارمندان آموزشی انجام دهد و از حد اکثر اطلاعات اختصاصی آنان استفاده نماید. بعلاوه سعی نماید که کارمندان با میل و رغبت و به نحو آزاد در تهیه فهرست و عناوین کتاب اقدام نمایند و باروش صحیح و معین رشته های مربوط به فن خود را تقویت نمایند. بر این مطلب اضافه مینماید که در یک مؤسسه بزرگ آموزشی کتابخانه باید تهیه موضوعاتی را که در نظر دارد و خواهان آنست بین کارمندان توزیع کند. زیرا در میان آنها خواه مردان و یا زنانی وجود دارند که میتوانند از روی دانش و بصیرت کافی یا جزئی در این موضوع نظر بدهند. البته ممکن است کمهای این عده چندان سودمند نباشد ولی بیفایده هم نیست. زیرا آنها را بکار خودشان دلبسته مینماید.

Lyle در کتاب خود بنام اداره کتابخانه دانشگاه، ناپسامانی کتابخانه را معلول سفارشهای مربوط به هیأت آموزشی میدانند و معتقد است که انحصار عمل کتابدار و کارمندان کتابخانه موجب میشود که آشفستگی پدید آید. زیرا به هیأت آموزشی توجهی جز بموضوعهای مورد احتیاج خود ندارند و کتابدار و کارمندان کتابخانه هم به کتابهایی که جنبه عمومی دارند و ارتباطی بارشته های دانشکده ندارد اهمیت بیشتری میدهند.

S. A. Stiffer با نتیجه گیری از آمار، مشکل اساسی کتابخانه را اینطور شرح میدهد که مؤسسات آموزشی کوچکتر که منابع مالی محدود دارند زیادتر به نشریاتی توجه مینمایند که نوع آنها بطور دائم در حال تکثیر و افزایش است. و چنین نشریاتی اهمیت لازم را دارا نیستند. از این لحاظ محدود مسئولیت کتابدار و نظارت او در کار انتخاب لطمه وارد میآید و سبب میشود که او نتواند وظیفه حرفه‌ای خود را به نحو کامل و بهتری انجام دهد.

در جلسه‌ای که در آلرتن پارک Allerton Park از طرف مؤسسه علوم اداری تشکیل شد در باره روش انتخاب و تهیه کتاب برای کتابخانه‌های متوسط و بزرگ بحث و تبادل نظر و مذاکرات لازم بعمل آمد. و از نتیجه آن دانشگاه الینویز Illinois در سال ۱۹۶۳ یازده مقاله انتشار داد. نخستین مقاله بقلم Robert Downs نگاشته شده. بود نامبرده در مسأله انتخاب کتاب از قدر و قیمت هیأت آموزشی کاسته و معتقد شده است که خط مشی و روشهای آموزشی تنها بر اساس تدریس نیست، بلکه بر روی تخصص و نشریات بنا میشود. یعنی جنبه آموزشی وظیفه خود را به روش تحقیقی انتقال میدهد.

بنابراین هر کتابخانه‌ای در سازمانش یا تخصص موضوعی دارد یا اینکه بایستی داشته باشد. کسانی که این فن را فرا گرفته و تعلیم دیده‌اند توانا خواهند بود که به متخصص موضوعی کمک کنند. اساساً کتابشناسی مایه ذاتی و طبیعی میخواهد که در کتابداران حرفه‌ای با هوش بر اساس تجربه و عمل پدید میآید و امکان دارد که این تجارب بدون داشتن مقدماتی از تعلیمات در مرحله عمل شایستگی خود را نشان دهد.

Robert Orr در مقاله دیگر روش تقسیم بودجه را بین دانشکده‌ها بصورت اختصاصی پر زحمت و ناراحت کننده میداند. اعتقاد دارد که بجای این سازمانها و تشکیلات اضافی و عملیات اختصاصی و انفرادی یک اداره بودجه کتابخانه مرکزیت باید. زیرا

در این صورت امکان بیشتری وجود دارد که موفقیت زیادتر و توازن کاملتری در مورد توسعه مجموعه کتاب فراهم آید.

عقاید و نظریات R. A. Miller تقریباً مشابه مطالب بیان شده در فوق است. جدیدترین نظر بوسیله Davis اظهار شده است. او در هفتصد کتابخانه تحقیقی که حداقل و حداکثر سیصد هزار تایک میلیون جلد کتاب دارد مطالعات و تحقیقاتی بعمل آورد. گزارش او شعر بر این است که از بین ۷۳ کتابخانه که به سئوالات او پاسخ داده‌اند در ۶۲ کتابخانه کارمندان کتابخانه در انتخاب کتاب دخالت داشته‌اند. اما این گزارش فاقد نوع خرید مواد و اقلام عمومی کتابخانه است. Davis اضافه میکند که بیشتر کتابخانه‌های تحقیقی موافقند که اختیار انتخاب کتاب در عهده کتابداران باشد. البته گاهی از لحاظ متدها و روشهای انتخاب توافق وجود ندارد.

در اکثر کتابخانه‌های بزرگ دانشگاهی که مجموعه‌های ثابت و رشته‌های خاص دارند و یا در کتابخانه‌های متوسط که برنامه‌هایی برای توسعه مجموعه کتابخانه تنظیم نموده‌اند کتابشناسان یا متخصصان موضوعی مسئولیت انتخاب مواد را در عهده دارند.

چارلز بردیک Charles Burdick استاد یا تاریخ دانشکده San Jose در سال ۱۹۶۴ مقاله‌ای در همین موضوع نگاشت و نظراتی مخالف انتخاب کتاب بوسیله هیأت آموزشی و روشهای استفاده از کتابشناسان موضوعی بیان کرده و از اینکه کتابخانه مسئولیت افزایش مواد کتاب را بین ۲ تا ۳ نفر تقسیم کرده انتقاد نمود. زیرا برخی بی‌اندیشه، بعضی تابع پندار و خیال بافی، برخی با خودخواهی و مایل به تأمین علاقه شخصی در انتخاب کتاب و روی نظرهای شخصی و تحت تأثیر تبلیغات نوشته‌هایی که در مجلات مورد تقریظ و انتقاد قرار میگیرد واقع میشوند و سفارش میدهند. اما انحصار انتخاب کتاب به هیأت آموزشی که احاطه کمی به مجموعه‌های کلی دارند و این مجموعه‌ها زیاد رایج نیستند و بیشتر مربوط به رشته‌های تحقیقی میباشند که آنها در این باره

اطلاعاتی دارند فائده ندارد. نتیجه کار در تمام جهات ناجور و نامعلوم است و ارزش نامعلوم و غیر قابل اطمینانی برای نسل آینده خواهد داشت.

C. James کمک کتابدار دانشکده ایالت جنوب غربی تکزاس تحقیقاتی درباره بیست و یک مؤسسه وابسته به تحقیقات عالی در آن ایالت انجام داده و آماری در این زمینه تهیه نموده و نتیجه را بشرح زیر عرضه داشته است:

او عطف بمقاله هاری بچ Harry Bach در GRL مینویسد:

خواه کارمندان کتابخانه و یا هیأت آموزشی مسئولیت اصلی را برای انتخاب مواد داشته باشند این پرسش پیش میآید که آیا بودجه کتاب بواحدهای آموزشی اختصاص داده شود یا خیر؟ در برابر این سؤال بیست مؤسسه به پرسش او پاسخ داده اند.

۱۸ مؤسسه اظهار داشته اند که بودجه خود را بواحدهای آموزشی اختصاص داده اند.

۱۲ مؤسسه بیان داشته اند که کمیته کتابخانه دانشکده در اختصاص بودجه دخالت دارد.

۱۲ مؤسسه از ۲ مؤسسه پاسخ داده اند که ۴ تا ۶٪ از کل بودجه کتاب را بواحدهای آموزشی اختصاص میدهند. تنها سه مؤسسه از بیست مؤسسه قطعنامه روشن رسمی را برای انتخاب یا جمع آوری کتاب مورد عمل قرار میدهند.

در سال ۱۹۶۳ ریچاردز J. H. Richards در مقاله ای راجع به روشهای کتابخانه که بوسیله پرسشنامه ای که پیش از یکصد دانشکده معروف و دانشگاه بعمل آورده بود نوشت که از ۹ دانشگاه که با او پاسخ داده اند بجز ۱۷ دانشگاه بقیه آنها بودجه های خود را به واحدهای آموزشی اختصاص داده اند.

در میان ۷۸ دانشگاهی که این روش را معمول داشته اند ۱۸ دانشگاه مقرراتی برای اختصاص یافتن بودجه مزبور داشته اند. ولی در مؤسسه اختصاص بودجه کتاب بوسیله کمیته کتابخانه دانشگاه انجام پذیرفته است.

باستناد نامه های رسیده ریچارد اظهار میدارد که تمایل عموم براین است که اساننامه ای مبنی بر روش انتخاب کتاب وجود داشته باشد. بااین روش هم کسی مخالفتی ندارد.

درسال ۱۹۵۴ Felix Reichmann در موضوع اساننامه روش انتخاب کتاب سؤالاتی از ۳۱ کتابخانه دانشگاهی بعمل آورد. جوابهای رسیده حاکی است که هفت دانشکده اساننامه رسمی بدون نموده اند و ۲ دانشکده مقررات خاصی را معمول میدارند، ولی بصورت رسمی بدون نشده است.

Clarence Corchels این موضوع را در دانشکده های علوم تربیتی تحت مطالعه قرار داد و معلوم شد از ۸ دانشکده ۶ دانشکده اساننامه بدون نداشته اند و ۲ دانشکده جواب مثبت داده اند. بعضی نوع سفارش را توضیح داده و هفت جواب دیگر حاکی است که اساننامه مختصر و کلی دادند.

در برابر سؤالاتی که از نوع و روش انتخاب کتاب شده مدلل شده است که اکثریت طرفدار انتخاب کتاب بوسیله کارمند کتابخانه میباشند. اگر انجام این کار ممکن نباشد حداقل مایلند که اکثر کتابها بوسیله کارمند کتابخانه انتخاب شود. نیز درباره لزوم افزایش متخصصین موضوعی تذکراتی داده شده است.

Cecil Byrd در مقالات خود اشعار میدارد که در کتابخانه دانشگاه ایندیانا در ظرف سه سال ۱۹۶۲-۱۹۶۳ ده کارمند کتابشناس موضوعی باین دانشکده اضافه گردیده و پیشرفتهای دیگری نصیب این دانشگاه با داشتن اساننامه عملی در مورد روش انتخاب و جمع آوری کتاب شده است.

دانتون اشاره نموده است که تمایلات در مورد انتخاب کتاب بوسیله کتابخانه افزایش یافته است.

بطور کلی طبق بررسیهایی که در این مورد انجام داده معلوم است که انتخاب کتاب با مسئولیت مشترک کارمندان کتابخانه و هیأت آموزشی مورد توجه بیشتر شده است.

آنگاه از خود میپرسد که توسعه‌هائی که در این رشته درآینده انجام خواهد پذیرفت چه خواهد بود؟ او پاسخ میدهد که تمایل اکثریت این است که انتخاب کتاب بیشتر به وسیله کارمندان و کتابشناسان موضوعی بعمل آید. بنا بر معیارهای کتابخانه جدید دانشگاه کانادا انتخاب کتاب بایستی با مسئولیت مشترک هیأت آموزشی و کارمندان کتابخانه باشد.

هیأت آموزشی بایستی کتابهائی را که مورد احتیاج برنامه‌های درسی است چه در حال و چه درآینده مورد بررسی قرار دهند.

مطالعات Waples - Lasswell که اکنون ۳ سال از آن میگذرد نشان میدهد که کتابدار بهتر از هیأت آموزشی میتواند مجموعه کتابخانه را بنانهد. از میان حدود پانصد کتاب که بانگلیسی - فرانسه - آلمانی - در مواضع علوم نوشته شده و بعنوان استاندارد بوسیله یک گروه متخصص در این رشته انتخاب گردیده در نتیجه بررسی معلوم شد که در کتابخانه هاروارد ۶۳٪ و کتابخانه دانشگاه شیکاگو ۴۰٪ و کالیفرنیا ۴۰٪ و دانشگاه میشیگان ۳۱٪ موجود بوده است کتابها را داشته‌اند. از طرف کتابخانه‌های عمومی نیویورک انجمنی با عضویت کتابداران و کتابشناسان موضوعی تشکیل گردید و چنین نظر دادند که این کتابخانه ۹۳٪ از تمام آن مجموعه را دارد.

دانتون مخالف شرکت دانشکده در انتخاب نیست، بلکه موافقت کامل دارد. اما او بطور کلی مسئولیت را یکجا بعهدۀ دانشکده نمیگذارد. می‌گوید نه دانشکده باید به کتابخانه اتکاء کند و خود را بر کنار بدارد و نه کتابخانه باید خود مختار باشد و یا کناره‌گیری و تفویض مطلق عمل به دانشکده کند. در این موضوع بررسی زیادی از طرف دانتون شد. او در سال ۱۹۶۷ شرح مبسوطی در یک مقاله نگاشت و نتایج مطالعه خود را در روش و سبک انگلوساکسون (آمریکائی و انگلیسی) بیان کرد. آنگاه نحوه عمل را چنین بیان کرد که انتخاب کتاب بوسیله کارمندان متخصص باید حاوی طرح جامعی باشد. این طرح موجب نخواهد شد که از نظرات اعضاء علاقه‌مند

و با صلاحیت خودداری گردد. بلکه غرض اصلی و راه‌جوئی برای کشف بهترین طریق این است که کتابهای معتبر و مهم در همه رشته‌های مربوط فراهم شود و مسئولین عمل دارای اختیار بوده حق نظارت کتابخانه محفوظ باشد.

هاری‌بچ که سابقاً هم از او سخن بمیان آمد در مقاله منتشره خود در سال ۱۹۵۷ نتیجه بررسی خود را بصورت زیر اشعار داشته و گفته است که کتابدار با یتی برای توسعه مجموعه کتابخانه قبول مسئولیت نماید. اگر او نتواند این مسئولیت را ایفاء کند وجودش زائد است. او نگاهبان کتاب و دستیاری است که کاری بزرگ با او سپرده میشود. او باید با هیأت آموزشی مشورت کند و از نظرات آنها استفاده نماید. ولی تکیه بانها نباید بکند. کتابدار نمی‌تواند خود را بیطرف و از قید مسئولیت فارغ بداند زیرا هیأت آموزشی به تدریس و تحقق مشغول است و نباید به کارهای دیگر وقتش گرفته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی